

**The Role of Defenseless Spaces in Increasing Urban Crime**  
**Case Study: Vakilabad and Haji Pirloo Neighborhoods of Urmia**

Sina Samadi Afshar<sup>1</sup>, Dariush Sattarzadeh<sup>2\*</sup>.

1- PhD Student in Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Assistant Professor of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

**Received: 26 April 2021**

**Accepted: 21 January 2021**

**Abstract**

Criminal spaces are referred to as defenseless urban spaces that have more potential for crime than other urban spaces. Due to the special physical structure, many defenseless urban spaces are formed in low-income neighborhoods. And because control and monitoring in these spaces is lower, they become a hot spot and pose a great challenge to the security of the neighborhood. In this regard, the main purpose of this study is to investigate the relationship between defenseless spaces and increasing urban crime. The present study is applied and descriptive-analytical in terms of purpose and nature, respectively. Data collection was done in the form of documents (police report) and field (260 questionnaires using Cochran) on site. Correlation analysis was used to determine the relationship and t-test and Friedman test were exerted to rank the effective indicators. The results indicate that there is a significant and positive relationship between the indicators of urban defenseless spaces and crime rates in Vakilabad and Haji Pirloo neighborhoods of Urmia. The results of Friedman test indicate that the average of all indicators of urban defenseless spaces is equal to 2.82 and below the desirable level of 3. Among these, the average indices of visual disturbance (3.37), space solitude (3.1), and destructive buildings have the highest average, respectively. The significance level of all indicators is less than 0.05. Pearson correlation coefficient between the two variables of indicators of urban defenseless spaces (a total of 9 indicators studied) with the rate of urban crimes is equal to 0.411 and the level of significance (0.00). Since the calculated margin is less than 0.01, it can be said with 99% confidence that there is a significant and direct relationship between the indicators of urban defenseless spaces and the rate of urban crime.

**Keywords:** Urban Defenseless Spaces, Urban Crimes, Vakilabad and Haji Pirloo Neighborhoods.

---

\* . Corresponding Author (Email: mani.af1360@gmail.com)

Copyright © 2021 Journal of Border Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

## نقش فضاهای بی‌دفاع در افزایش جرائم شهری مطالعه موردی: محلات وکیل آباد و حاجی پیرلو شهر مرزی ارومیه\*

سینا صمدی افشار - دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران  
داریوش ستارزاده<sup>۱</sup> - استادیار شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲

### چکیده

از فضاهای جرم‌زا تحت عنوان فضاهای بی‌دفاع شهری یاد می‌شود که نسبت به سایر فضاهای شهری قابلیت بیشتر برای بروز جرم دارند. در محله‌های کم‌برخوردار به دلیل ساختار کالبدی خاص، فضاهای بی‌دفاع شهری زیادی شکل می‌گیرد و از آنجا که کنترل و نظارت در این فضاها پایین‌تر است به مکان جرم‌خیز تبدیل شده و امنیت محله را با چالش زیادی روبرو می‌کنند. در همین راستا هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه فضاهای بی‌دفاع در افزایش جرائم شهری است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از ماهیت توصیفی - تحلیلی است جمع‌آوری داده به صورت اسنادی (گزارش نیروی انتظامی) و میدانی (پرسشنامه به تعداد ۲۶۰ عدد با استفاده از کوکران) در محل انجام گرفته است. از تحلیل همبستگی برای تعیین رابطه و آزمون تی و فریدمن برای رتبه‌بندی شاخص‌های اثرگذار استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه معنادار و مثبت بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرم در محلات وکیل‌آباد و حاجی پیرلو شهر ارومیه وجود دارد. نتایج آزمون فریدمن بیانگر این است که میانگین کلیه شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری معادل ۲/۸۲ و پایین‌تر از حد مطلوبیت ۳ به دست آمده است. در این بین میانگین شاخص‌های آشفستگی بصری (۳/۳۷)، خلوتی فضا (۳/۱)، ساختمان‌های تخریبی به ترتیب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. سطح معناداری تمامی شاخص‌ها نیز کمتر از ۰/۰۵ است. ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری (مجموع ۹ شاخص مورد بررسی) با میزان جرائم شهری برابر با ۰/۴۱۱ و سطح معناداری (۰/۰۰) است. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۱ است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرائم شهری رابطه معناداری و مستقیمی وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** فضاهای بی‌دفاع شهری، جرائم شهری، محلات وکیل‌آباد و حاجی پیرلو، شهر مرزی ارومیه.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای سینا صمدی افشار در رشته شهرسازی به راهنمایی نویسنده دوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد.

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های عصر ما که امنیت اجتماعی شهرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزایش شهرنشینی و تبع آن افزایش جمعیت محلات غیررسمی در اطراف شهرها است (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت، ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به خود گرفته است. امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴). مفهوم امنیت در شهرها طی دهه‌های گذشته با رشد و توسعه شهرنشینی و گسترش کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها، از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است، به طوری که امروز امنیت در شهرها شامل تمامی مفاهیم اجتماعی و اقتصادی است (جلالیان و یسیان، ۱۳۹۷: ۱۲۸). با افزایش مهاجرت‌ها و گسترش مناطق حاشیه‌نشین در شهرها، فضاهای بی‌دفاع شهری نیز بیشتر شده و همین امر توجه به رابطه موضوع امنیت و جرم در فضاهای شهری را دوچندان کرده است. امنیت و جرم ارتباط مستقیم با فضا و نوع کیفیت محیط شهری دارند. فضاهای بی‌دفاع و محله‌های ناامن، از عوامل بروز جرائم شهری است (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۲). ویژگی‌های کالبدی خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر محدوده محلات کم برخوردار موجب شکل‌گیری فرصت‌ها و اهداف مجرمانه می‌شود. بدین ترتیب در محدوده شهرها، کانون‌هایی شکل می‌گیرد که تعداد جرائم بسیار بالاتری در مقایسه با محدوددهای دیگر را دارند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۶۴). محله‌های کم برخوردار با ساختار کالبدی یا به عبارتی فرم فضای خاص در چگونگی ایجاد یک فضای بدون دفاع، نقشی انکارناپذیری دارند از این‌رو توجه به کیفیت‌های فرم فضا اهمیت می‌یابد (عزیزی و شعبان‌جولا، ۱۳۹۳: ۷۹۵). همچنین ویژگی‌های عملکردی در این فضاها، می‌تواند زمینه‌ساز جرائم شهری باشد (قلیچ و عماری، ۱۳۹۲: ۱۸). فضاهای بی‌دفاع در شهرها به دلیل رشد فیزیکی و جمعیتی از یکسو، فرسودگی و تخریب مناطق قدیمی از سوی دیگر افزایش یافته است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). فضاهای بی‌دفاع با روند رو به رشد خود در افزایش جرائم شهری بخصوص در محلات حاشیه‌ای بسیار مؤثر هستند. جرم رویدادی پیچیده وقوع جرم تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. چهار عامل مهم در وقوع جرم و بزه تأثیرگذارند: بزه‌کار، مکان بزه‌کار، قوانین و بزه دیده، هم‌زمان وجود داشته باشند؛ بنابراین محیط و فضای جغرافیایی همواره بر همه رفتار انسان از جمله بزه و جرم تأثیر داشته و انسان هم بر آن تأثیرگذار بوده است. ویژگی‌های کالبدی و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر بعضی از فضاهای شهری، موجب شکل‌گیری رفتارهای خاصی می‌شود (شماعی واحدی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۹۲). فضاهای بی‌دفاع شهری از جمله فضاهایی هستند که به دلیل ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی، فرصت بزهکاری و خشونت در آن‌ها بالاست. این فضاها محصول تعامل پیچیده‌ای هستند که فقدان موانع نمادین واقعی، عدم تعریف حوزه‌ای مشخص و امکانات نظارتی اعم از نظارت طبیعی، اجتماعی و فیزیکی، موجب شده میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی در آن‌ها قابل توجه باشد (نایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹). فضاهای بی‌دفاع یکی از عوامل اساسی در بروز خشونت‌های شدید، به‌ویژه خشونت‌های پیوسته هستند. همچنین این فضاها عامل مهمی در پایین آوردن کیفیت زندگی به شمار می‌روند. از سوی دیگر، باید این مسئله را مدنظر داشت که امنیت و آسودگی دو عامل اساسی حیات بشری هستند، چنان‌که لیتون در مدل خود که برای درک محیط ساخته‌شده نیازهای اساسی انسان را شرح می‌دهد و امنیت را نیاز اساسی انسان‌ها در نظر می‌گیرد (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۵). تجربه جهانی نشان می‌دهد که ما نه تنها به‌سوی فضاسازی بهتر پیش نمی‌رویم، بلکه مکان‌های ساخته‌شده را نیز از بین می‌بریم. به همین دلیل فضاهای شهری بی‌هویت و ناآشنای زیادی به وجود آمده است که می‌تواند تبعات منفی بسیاری را داشته باشد و به موازات خود خشونت و ترس را افزایش دهند و موجب ناامنی شود (یوسفی و جوهری، ۱۳۹۲: ۲). در مبانی نوین طراحی و برنامه‌ریزی شهری، برطرف کردن زمینه بروز جرم در یک مکان خاص، از طریق طراحی و برنامه‌ریزی صحیح مطرح است. در

بسیاری از موارد فضا محرک انسان در بروز رفتاری خاص است و توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص، متفاوت بوده امری ضروری است. اگرچه در بروز و ظهور الگوهای رفتاری در انسان‌ها متغیرهای جامعه‌شناختی در اولویت قرار دارند، اما از نقش عوامل کالبدی و فضایی محیط مصنوع، به‌عنوان بستر وقوع رفتارهای نابهنجار و بروز جرائم نیز نباید غافل بود. امروز با تدوین ضوابط کارآمد و متناسب با شرایط محیطی و ارائه الگوهای مناسب برای فضاهای بی‌دفاع شهری، زمینه را برای کاهش فرصت‌های جرم‌خیزی در فضاهای شهری را کاهش می‌دهند. در نهایت تغییرات طراحی محیطی می‌تواند ساکنان محلی را وادار سازد تا رفتارها و شیوه‌های زندگی خود را برای سخت‌تر کردن ارتکاب جرم تغییر دهند. در محلات کم‌برخوردار کشور نیز به دلیل آسفتگی بصری، کمبود زیرساخت‌ها و پایین بودن کیفیت بصری فضاهای عمومی، رفتارهای خشونت‌آمیز و جرم‌زا بیشتر دیده می‌شود از این‌رو برای کاهش رفتارهای جرم‌خیز ضروری است که فضاهای بی‌دفاع شهری به‌عنوان بستر و مکان جرم کمتر شود. محلات وکیل‌آباد و حاجی‌ارومیه از جمله محلات کم‌برخوردار هستند که در اثر گسترش شتابان شهرنشینی شکل گرفته‌اند و در نتیجه با آسفتگی بصری، پراکندگی فضا، وجود فضاهای خالی و فضاهای مخروبه زیادی روبرو است که موجب شده فضاهای بی‌دفاع به شکل‌های مختلفی در آن ظاهر شده است که این امر بر میزان جرائم شهری و نوع رفتاری‌های خشونت‌آمیز در محلات وکیل‌آباد و حاجی‌آباد اثر گذاشته است به‌طوری‌که در این فضاها روزبه‌روز، میزان وقوع جرائم شهری بیشتر شده است. در صورت ادامه روند می‌تواند امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی کل شهر را با چالش جدی روبرو سازد. از این‌رو افزایش جرائم شهری در محلات مذکور اهمیت پژوهش حاضر را دوچندان کرده است. بنابراین هدف پژوهش بررسی اثر فضاهای بی‌دفاع در میزان جرائم شهری است تا در جهت ارتقای کیفیت محیط زندگی در محلات مذکور بتوان اقدامات مطلوب انجام داد. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرائم شهری در محلات وکیل‌آباد و حاجی‌آباد چه ارتباطی وجود دارد.

### پیشینه پژوهش

مطالعات زیادی در حوزه فضاهای بی‌دفاع شهری و ارتباط آن با جرائم شهری انجام شده است که در این قسمت به تعدادی از این مطالعات خارجی و داخلی اشاره می‌شود. متیوکوئیک<sup>۱</sup> و همکاران در سال ۲۰۱۸ با انتخاب چهار جرم سرقت منزل مسکونی، سرقت بانک، سرقت خودرو جرائم خشونت‌آمیز به بررسی چرایی و چگونگی تبیین الگوهای فضایی جرم و جنایت در شهر لندن پرداختند و نتیجه گرفتند که میان سرقت بانک و جرائم خشونت‌آمیز با محرومیت، بی‌ثباتی مسکونی و ناهمگونی نژادی همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش بیانگر اهمیت الگوهای عمومی جرائم در شناخت الگوی فضایی انواع جرائم در مقیاس کوچک است. از این رهگذر می‌توان با داشتن الگوی فضایی کلی جرائم به شناسایی الگوی فضایی جرائم خرد اقدام کرد. رومنز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۸)، پژوهشی باهدف بررسی پتانسیل به‌کارگیری تجزیه‌وتحلیل‌های پیش‌بینی جرم در بافت‌های شهری (بلژیک) انجام دادند. آن‌ها به‌منظور دستیابی به این هدف، مطالعات در دسترس مربوط به سه جرم سرقت منازل، سرقت خیابانی و ضرب‌وجرح را در شبکه‌ای از سلول‌های ۱۲۲ در ۱۲۲ مترمربع به‌صورت فضایی جمع‌آوری کردند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد پیش‌بینی‌های کاربردی با تجزیه‌وتحلیل داده‌های جرم در سطوح شبکه‌ای امکان‌پذیر است. این امر نشان می‌دهد که تفکیک زمانی داده‌ها می‌تواند تأثیر مهمی در کارایی پیش‌بینی‌ها داشته باشد. تیموئی در تحقیقی با عنوان زوال فیزیکی، بی‌نظمی و جرم ارتباط قابل‌توجهی بین

1. Matthew Quick

2. Rummens

بی‌نظمی و شرایط فیزیکی با جرم را نشان داده است که در آن رابطه مستقیم قوی بین بی‌نظمی و جرم و رابطه مستقیم متوسطی بین جرم با زوال فیزیکی وجود داشت. ویلسون و کلینک (۱۹۸۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "پنجره‌های شکسته" در مجموع زوال فضای فیزیکی، مخصوصاً به همراه رفتارهای بی‌نظمی را عامل وقوع جرائم و خشونت‌ها می‌دانند. به عقیده ویلسون و کلینک، زوال فیزیکی مجاور، در ترکیب با افزایش رفتارهای بی‌نظمی، مکان‌هایی تولید می‌کند که برای جذب افرادی که مستعد غارتگری گوناگون - مانند رفتارهای مجرمان هستند جذاب است (تیموثی، ۲۰۰۶: ۱۷۴). سالی مری در تحقیقی با عنوان فضاهای، به بررسی رابطه جرم و فضاهای قابل دفاع بی‌دفاع پرداخته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، نشان داد که نیمی از سرقت‌ها در مناطقی اتفاق افتاده‌اند که نیومن آن فضاها را مستعد جرم و خشونت معرفی می‌کند. این فضاها در یافته‌های مری شامل: فضاهای پرت و دورافتاده دور از دید، فضاهای تنگ و باریک، راهروهای کم‌نور بین ساختمان‌ها، شکاف‌های موجود که امکان برداشتن چیزی را می‌دهد، پیاده‌روهای در امتداد خیابان که با ستون‌های بتونی و فرورفتگی‌های ممتد درهم‌ریخته و بی‌نظم بود که نیمی از جرائم رخ داده را به خود اختصاص داده بودند (مری، ۱۹۸۱: ۴۰۴). محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به پهنه‌بندی فضاهای بی‌دفاع و مستعد جرم‌خیزی در شهر اردبیل پرداخته است. پژوهش کاربردی و توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مدل‌های ANP و یکور پهنه‌بندی صورت گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، بیشتر محله‌های حاشیه‌ای و روستاهای ادغام‌شده با بافت ارگانیک نواحی شمالی، شمال غربی و غربی شهر اردبیل از نظر قابلیت دفاع پذیری در برابر رفتارهای بزهکارانه شرایط نامساعدی دارند و در برابر بروز رفتارهای بزهکارانه بسیار آسیب‌پذیر هستند منصوری و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی را باهدف بررسی ارتباط فضاهای بی‌دفاع شهری و افزایش جرائم در شهر کرمانشاه انجام دادند. در ابتدا از ۱۲۲ شهروند پرسشگری شد و سپس در بخش کیفی مصاحبه‌های عمیق از کسبه اطراف فضاهای بی‌دفاع شهر کرمانشاه صورت گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش مذکور می‌توان گفت میان عوامل مختلف طراحی و معماری فضاهای شهری، دسترسی نداشتن به خدمات شهری، میزان خوانایی فضاهای شهری، نظارت کردن در فضاهای شهری و تراکم فعالیت در فضای شهر مؤثر در ایجاد فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان بروز جرائم شهری رابطه معناداری وجود دارد. زیاری و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی باهدف بررسی و پهنه‌بندی فضاهای بی‌دفاع شهری در سطح محله هرندی تهران انجام دادند. شاخص‌های بررسی‌شده این پژوهش شامل نورپردازی فضاها، میزان حضور مردم در فضاهای شهری، ضعف کالبدی، ضعف فعالیت و آلودگی محیط بوده است. نتایج نشان‌دهنده انطباق بی‌دفاع‌ترین فضاها با بلوک مربوط به پارک هرندی و محوطه اطراف آن است. از دیگر بلوک‌هایی که از نظر وجود فضاهای بی‌دفاع، وضعیت مطلوبی نداشته است، می‌توان به بلوک‌های پارک حقانی و فضاهای اطراف آن اشاره کرد. مقیمی (۱۳۹۵) در مقاله با عنوان بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راهکارهای مکان محور برای پیشگیری وضعی از جرم به این نتیجه رسیده است که سیاهه جرائم با توجه به ویژگی‌های مکانی توزیع می‌شود. بزهکاران با توجه به ویژگی‌های جرم شناختی حاکم بر منطقه یا محل، در انتخاب مکان ارتکاب جرم، دست به محاسبه‌هایی منطقی می‌زنند. بر این مبنای می‌توان با توجه به «مکان»، به تدابیر پیشگیرانه جهت بخشید و به مؤثرترین شیوه، منابع محدود پیشگیری را صرف بحرانی‌ترین اماکن کرد. وروایی و حاتم زاده (۱۳۹۴) در مقاله به این نتیجه رسیدند که قلمرو، نظارت، طرح‌های در دست اجرا یا ره‌اشده، رؤیت ناپذیر بودن (فضاهای گم)، کنار هم قرار گرفتن مناطق مسکونی و تأسیسات دیگر، فضاهای بدون کارکرد یا با کارکرد متناوب (تقسیم زمانی کار)، نبود روشنایی، ساختمان‌های نیمه‌تمام و متروکه، عدم ارتباط بین فرم و عملکرد، تصویر ساختمان، نداشتن متولی (عدم حضور مالک)، کنج‌ها، زیرگذر و زیر پل‌ها، به ترتیب مهم‌ترین عوامل جرم‌زا در معماری شهری فضاهای شهری هستند. کلانتری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل الگوهای فضایی بزهکاری در مناطق اسکان غیررسمی شهرها در منطقه اسکان غیررسمی بی‌سیم بالا بودن میزان کاربری مسکونی، کمبود برخی

کاربرهای فضای سبز، آموزشی، درمانی و تأسیسات شهری و نبود برخی کاربری‌های فرهنگی، ورزشی و گذران اوقات فراغت و نیز فقدان کاربری انتظامی که نظارت رسمی در این محدوده از شهر را بسیار دشوار ساخته است، در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در این منطقه اسکان غیررسمی مؤثر بوده است نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده در مورد جرم و اثر فضاهای بی‌دفاع شهری در آن در محدوده محلات فرسوده و یا مرکز شهر انجام‌شده است و کمتر در محلات کم‌برخوردار به تشریح اثر جرم بر فضاهای بی‌دفاع پرداخته‌شده است همچنین در مطالعات انجام‌شده فضاهای بی‌دفاع به صورت یک متغیر در نظر گرفته می‌شود درحالی‌که در مطالعه حاضر شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع به تک‌تک بررسی شده و میزان اثرگذاری آن نسبت به هم نیز تحلیل و بررسی گردیده است. تفاوت سوم مطالعه در محدوده مطالعه‌ای است که در محله کم‌برخوردار به بررسی شاخص‌های اثرگذار فضاهای بی‌دفاع بر جرم پرداخته است که در این مطالعات انجام‌شده قبلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

### مبانی نظری

امنیت در ساختار کالبدی شهری یا جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی شهری، جدیدترین رویکرد به مقوله کاهش جرم در ساختار شهری به حساب می‌آید (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۸۳). فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بی‌دفاع شهری، محله‌های نامن، شهرهایی با معماری فقط مردانه، همه و همه از عوامل و زمینه‌های وقوع جرم در شهرها هستند (شجاعیان و رحیم‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶). فضاهای شهری جرم‌زا تحت عنوان فضاهای بی‌دفاع شهری یاد می‌شوند که به لحاظ تعریف می‌توان گفت نسبت به سایر فضاهای شهری قابلیت بیشتری برای بروز جرم دارند (قلیچ خانی و عماری، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۹) فضای بی‌دفاع شهری، فضایی است که رهاشده و نمی‌تواند از خود دفاع کند؛ فضایی است که به کسی تعلق ندارد و بنابراین کسی از آن نگهداری و مراقبت نمی‌کند. فضاهایی هستند که امکان اتفاق افتادن آسیب اجتماعی در آن‌ها بیشتر از فضاهای دیگر است. فضاهایی هستند که از نظر حفاظتی مرده، ولی از نظر اتفاق افتادن مسائل نابهنجار، فضاهایی فعال و زنده هستند. ضعف نظارت و تعلق خاطر به فضاهای بی‌دفاع از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی این فضاهاست. نباید فراموش کرد که وجود حتی یک مغازه کوچک در یک کوچه یا معبر نیز می‌تواند عاملی در کاهش جسارت برای بسیاری از تخلفات باشد (نیومن، ۱۹۹۶: ۱۴۸). عدم رؤیت پذیری، محاط بودن و نبود فرصت نظارتی، خلوتی و تاریکی، بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت، ازدحام و تراکم جمعیت، فرسودگی و آشفتگی فضا (همان). خصوصیت اصلی فضاهای بی‌دفاع فقدان عنصر نظارت اجتماعی است (بحرینی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در این نوع فضاها بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت به چشم می‌خورد و از ویژگی‌های مهم فضاهای بی‌دفاع تلقی می‌شود (مدیری، ۱۳۸۵: نایبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹). فضاهای بی‌دفاع شهری مناطقی در شهرها هستند که با توجه به ویژگی‌های فیزیکی، مناطق مناسب‌تری برای وقوع جرائم هستند. این فضاها به کسی تعلق ندارند و در صورت داشتن مالک، از آن‌ها به‌خوبی نگهداری نمی‌شود. برخی از این مکان‌ها از دید عموم پنهان هستند؛ به‌طوری‌که به‌عنوان فضاهای دنج و امن برای رفتارهای انحرافی در نظر گرفته می‌شوند (فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲)؛ بنابراین فضاهایی مطمئن برای بروز اعمال غیرمجاز و خشونت‌آمیز هستند. از سوی دیگر، این گونه فضاها، فضاهایی هستند که از نظر حفاظتی مرده، اما از نظر بروز مسائل نابهنجار فضاهایی در آن‌ها فعال و زنده هستند. همچنین از نظر اسکار نیومن فضاهای بی‌دفاع، فضاهایی هستند که موانعی واقعی و نمادین ندارند، دارای حوزه تعریف‌شده مشخصی نیستند و امکانات نظارتی لازم را به وجود نمی‌آورند (قلمبر دزفولی و محمدی، ۱۳۹۳: ۲) تحقیقات اسکار نیومن درباره پیوند میان طرح مسکن و رفتار جنایی یا ضداجتماعی نشان می‌دهد که محیط‌های کوچک و فضاهای نیمه عمومی که برای گروه‌های کوچک ساکنان قابل‌رؤیت می‌باشد به‌طور احتمالی دارای میزان کمتری از جرم و بزه‌کاری، سرقت و نزاع‌های شخصی است. چنین فضاهای از خود

نگهداری می‌کنند. بیشتر جرم‌ها وقتی اتفاق می‌افتد که مرتکب، فرصت را مناسب می‌بیند. این فرصت‌ها ممکن است به علت یک یا ترکیبی از چند عامل باشد مانند دسترسی آسان به نقاط دنج، نبود اهالی خانه، روشنایی کم، محصور بودن محدوده و چشم‌انداز ضعیف و متجاوزان را کم‌رنگ‌تر می‌کند باشد (امیریان فارسانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). به‌منظور کاهش جرم در فضاهای شهری بخصوص در فضاهای بی‌دفاع شهری نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی مطرح‌شده است که در اینجا به برخی از این‌ها اشاره می‌شود.

### نظریه مکان‌های جرم خیز

اصطلاح مکان‌های جرم‌خیز، بیانگر یک مکان با میزان بالای ارتکاب جرم است. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک و یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک‌خانه یا مجتمع مسکونی باشد. تعریف دیگر، این اصطلاح را معادل مکان‌های کوچک با امکان وقوع زیاد جرائم و حداقل در یک دوره زمانی یک‌ساله دانسته است. این دیدگاه، نخست به‌وسیله شرم‌ن گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ مطرح شد و بر پایه نوعی علت‌شناسی مکانی جرم استوار شد. طبق این نظریه، برخی نقاط خاص شهری به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، دارای تعداد زیادی از ارتکاب جرم می‌باشند. گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل شهری)، برخی گذرها و حواشی شهر دارای این خصیصه هستند. فرایند بررسی و تعیین حدود مکان‌های جرم‌خیز با استفاده از نرم‌افزارهای اختصاصی و به کمک سامانه اطلاعات مکانی صورت می‌گیرد (دادور، ۱۳۷۳: ۳۱). مدافعان رویکرد مکان‌بنیاد معتقدند از محیط فیزیکی می‌توان در جهت تأثیرگذاری بر رفتار به‌درستی استفاده کرد که باعث می‌شود درصد وقوع جنایت و ترس از جرم کاهش یابد و در نتیجه بدین‌وسیله کیفیت زندگی را بهبود بخشید. با در نظر گرفتن تعریف فوق می‌توان دریافت که تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز فرآیند نمایش، شناسایی و تعیین حدود محدوده‌های تراکم و تمرکز بزهکاری در سطح شهرها است و بدین طریق سعی می‌شود ضمن شناسایی عوامل این تمرکز، در جهت ارائه راهبردها و سیاست‌های مناسب جهت حذف یا کاهش اثر این عوامل، اقدام‌هایی انجام داده و از وقوع بزه در این محدوده‌ها در آینده پیشگیری کرد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷۲۰).

### طراحی محیطی و پیشگیری از جرم

در سال ۱۹۶۹ «جفری» اولین کسی بود که نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را مطرح کرد. به نظر او جامعه‌شناسان به میزان قابل‌توجهی در عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده‌اند و به عوامل بیولوژیکی و محیطی توجهی نکرده‌اند. او بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد تأکید داشت و جرائم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست. به نظر جاکوبز دیدگاه "CPTED" "بهترین ابزار برای کاهش محیطی بزهکاری است (جفری، ۱۳۹۴: ۴۲). این دیدگاه به پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی مناسب محیط تأکید می‌نماید که می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های وقوع جرم و بهبود زندگی مردم شود. منطق «دیدگاه از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت محیط فیزیکی و کنترل کاربری‌های اراضی از قبیل مناطق تجاری، مسکونی، معابر عمومی و نیز طراحی فضاهای شهری می‌تواند به امنیت و سلامت عمومی جامعه کمک نمود. به نظر «جفری» مراقبت‌های شهروندان از طریق ساختارها و فضاهای شهری عاملی مهم در کنترل جرائم شهری است (بیات، ۱۳۹۸: ۳۶) این دیدگاه می‌کوشد که از نظارت طبیعی شهروندان به‌عنوان عامل بازدارنده فعالیت‌های غیرقانونی همراه با طراحی محدوده‌های شهری بهره‌گیرد. «جاکوبز» نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری و توسعه این دیدگاه داشته است. مهم‌ترین اصول حاکم بر این دیدگاه برای طراحی محیط باهدف پیشگیری از ارتکاب بزهکاری به شرح زیر

قابل تفکیک است (BENNETT, 1986:41). نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر این مدار است که بتوان از ساختار کالبدی شهر و طراحی محیطهای مصنوع از ارتکاب جرائم جلوگیری نمود. این امر از طریق کاهش پتانسیل طبیعی و کالبدی مناطق شهری در جرم خیزی یا کاهش امکان دهی به وقوع جرم ممکن می‌شود (صالحی، ۱۳۹۰: ۲۰). در سال ۱۹۸۹، نظریه با عنوان محیطهای مجرمانه مطرح شد که بر پایه نوعی علت شناسی مکانی جرم استوار گردید. طبق این نظریه برخی محدوده‌ها با نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود عناصری کالبدی، اجتماعی، اقتصادی دارای فراوانی زیادی از جرم می‌باشند. گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل شهری) برخی گذرها و حواشی شهر از جمله محلات غیررسمی و حاشیه‌نشین دارای این خصیصه هستند (BENNETT, 1986:27). مفهوم بنیادین برنامه پیش‌گیری از جرم از گذر طراحی محیطی بر این اصل استوار است که بافت کالبدی محیط را می‌توان به گونه‌ای طراحی کرد که سبب کاهش جرم و یا ترس از وقوع جرم و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی گردد. فضاهای شهری (ساختمان‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها و پارک‌ها و غیره) تنها فضاهای نیستند که جرم در آن‌ها رو می‌دهد بلکه ساختار و طراحی فضا می‌تواند موجب پیش‌گیری و بازدارندگی از فعالیت‌های مجرمانه شده و امنیت شهری را بهبود بخشد و یا برعکس باعث ایجاد ناامنی شود. اختلال فیزیکی (به‌عنوان مثال، مخروبه‌ها، زمین‌های خالی و بی‌مرز، خرابکاری‌ها) و بی‌تمدنی در شهر می‌تواند احساس ناامنی را تقویت کند. همان‌گونه که جرم و جنایت به تمرکز در برخی از محیطها (سکونتگاه‌های کم‌برخوردار یا غیررسمی) را تمایل دارد (افشار کهن و رحیقی یزدی، ۱۳۹۲: ۱۲). به نظر جاکوبز دیدگاه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، بهترین ابزار برای کاهش فرصت‌های محیطی بزهکاری است (لوکایتو - سیدرس، ۱۹۹۸: ۵).

### فضای قابل دفاع در برابر جرم

در سال ۱۹۷۰ و در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط، اسکار نیومن دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. وی مشخصات کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثر در کاهش جرم و چگونگی استفاده مردم از آن‌ها را بیان کرد. به نظر وی این ایده به طراحان محیط شهر کمک می‌کند در ساخت (یا بازساخت) فضاهای کالبدی، به‌نوعی شهروندان را در کنترل رفتارهای اجتماعی سهیم کنند. نیومن در این نظریه به خودیاری مردم، بیش از مداخله دولت اهمیت می‌دهد، همچنین به قابلیت طراحی کالبدی در افزایش سطح نظارت طبیعی مردم توجه بسیار کرده است (وروایی و حاتم زاده، ۱۳۹۴: ۹۲).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات میدانی و اسنادی است. بدین صورت که برای جمع‌آوری اطلاعات درباره پیشینه، ادبیات و مبانی نظری پژوهش از مطالعات اسنادی استفاده شده است. گردآوری داده‌های میدانی در منطقه مورد مطالعه (شهروندان ساکن محلات وکیل آباد و حاجی پیرلو) برای دستیابی به سؤالات پژوهش با استفاده از پرسشنامه لیکرت انجام شده است. جمعیت آماری پیمایش را ساکنین محلات وکیل آباد و حاجی پیرلو تشکیل می‌دهند. نمونه پژوهش بر اساس فرمول کوکران به شیوه زیر به دست آمد. محلات وکیل آباد و حاجی پیرلو با جمعیت معادل ۵۵۵۷ نفر، سطح اطمینان ۹۵٪ درصد و خطا ۵/۰ حجم نمونه به‌وسیله فرمول کوکران شامل ۲۶۰ به دست می‌آید. بر این اساس ۲۶۰ مورد پرسشنامه در محل توزیع و جمع‌آوری گردید. برای روایی صوری کمی و کیفی و محتوایی از متخصصین (۵ نفر) جامعه‌شناسی، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری استفاده شد و برای پایایی از آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS انجام شده است که آلفای کرونباخ پرسشنامه در حدود ۰/۷۶ است که نشان از پایایی آن می‌باشد. توزیع پرسشنامه به‌صورت منظم در بین بلوک‌های شهری محله انجام گرفته است.

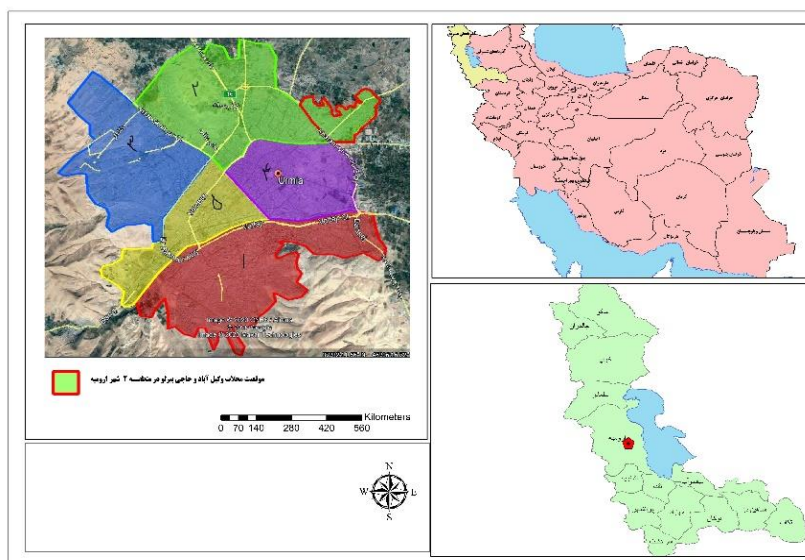


جدول شماره ۱. شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری

شاخص‌ها	آلفای کرونباخ	پژوهشگر
میزان روشنایی	۰/۸۱	
ساختمان‌های تخریبی	۰/۷۳	
وجود ساختمان‌های نیمه کار	۰/۸۳	قرابی و همکاران (۱۳۹۲)
خلوتی فضا	۰/۷۹	قلیچ و عماری (۱۳۹۲)
آشفتگی بصری	۰/۷۳	محمدی و همکاران (۱۳۹۸)
کوچه‌های تنگ و باریک،	۰/۷۷	نایی و همکاران (۱۳۹۰).
وجود محصوریت	۰/۷۴	
تراکم ساختمانی	۰/۷۱	
فضاهای خالی و بایر	۰/۷۴	

### محدوده مورد مطالعه

محلات وکیل‌آباد و حاجی پیرلو در قسمت شمال شرقی شهر ارومیه و جزء محدوده منطقه ۲ است. ساخت و بافت کالبدی این محدوده عموماً دارای ویژگی حاشیه‌ای (بافت سنتی) ارگانیک واحدهای ساختمانی به شکل فشرده و بدون نظم و فاقد جهت‌گیری خاص در کنار هم ساخته شده‌اند. شبکه معابر محدوده به‌استثنای بلوار اصلی از نظر عملکردی بیشتر جمع و پخش‌کننده است و دارای عرض کم هستند. جمعیت محدوده بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۹۱۶۱ نفر می‌باشد. همچنین به دلیل عدم کنترل کافی و منظم در زمینه ساخت‌وساز و تفکیک‌های قولنامه‌ای و غیرقانونی و ارزان بودن قیمت اراضی و هجوم مهاجرین با فرهنگ‌های متفاوت از روستاها و شهرهای اطراف با عدم رعایت ضوابط شهرسازی و مقررات ساختمانی مواجه هستیم.



شکل شماره ۱. موقعیت محلات وکیل‌آباد و حاجی پیرلو بر روی نقشه شهر ارومیه

### بحث و یافته‌ها

از مجموع پرسش‌شوندگان، ۱۶۸ نفر (۶۴/۱۴ درصد) مرد و ۹۲ نفر (۳۵/۸۶ درصد) زن بودند ۱۱۷ نفر (۴۵ درصد) افراد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ قرار داشتند. از نظر وضعیت تأهل پاسخ‌دهندگان، ۱۳۷ نفر (۵۲/۲ درصد) مجرد بودند. همچنین از میان پاسخ‌دهندگان ۸۳ نفر (۳۱/۹ درصد) لیسانس داشتند. برای آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است

جدول شماره ۲. نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرونوف برای داده‌های پژوهش

متغیر	Kolmogorov-Smirnov Z	سطح معناداری
فضاهای بی‌دفاع شهری	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰
جرائم شهری		

با توجه به اینکه سطح معناداری برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت داده‌ها از توزیع نرمالی پیروی کرده‌اند. برای آزمون متغیرهای نیز می‌توان از آزمون پارامتریک استفاده کرد. از آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه این دو متغیر استفاده شده است.

ساختار کالبدی محلات کم برخوردار دچار آشفتگی کالبدی، بی‌نظمی فیزیکی، پراکنده رویی و چیدمان نامناسب کاربری را شامل می‌شود از این رو فضاهای بی‌دفاع در شکل‌ها و فرم‌های متنوعی دیده می‌شود. این ویژگی‌ها در محلات و کیل‌آباد و حاجی پیرلو شهر ارومیه نیز قابل مشاهده است. این ویژگی‌ها در اغلب فضاها یا در مورد خاصی از فضاها در شدت‌های مختلف مشاهده شده‌اند. در ادامه برای سنجش وضعیت شاخص فضاهای بی‌دفاع شهری از ۹ شاخص با توجه به وضعیت و مشاهده میدانی منطقه استفاده گردید. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای ارائه شده در جدول ۴، مقدر آماره تی برای شاخص آشفتگی بصری ۳/۵۶۱ و برای شاخص خلوتی فضا ۳/۰۲۳ سطح معناداری (۰/۰۰) است. از آنجایی که قدر مطلق عدد به دست آمده برای مقدار تی کوچک یا مساوی ۲ است و از طرفی حد پایین عددی برای شاخص آشفتگی بصری (۰/۰۵۲۹) و حد بالا عددی (۰/۱۷۳۱) است می‌توان ادعا کرد که شاخص‌های آشفتگی بصری و خلوتی فضا از دیدگاه آزمون‌های ده‌نمونه آماری پژوهش در حد ادعا شده است و در میزان جرائم شهری اثرگذار معناداری دارد سایر شاخص‌ها فضاهای بی‌دفاع شهری مثل شاخص‌های مذکور اثرگذاری معناداری دارند اما میزان و سطح اثرگذاری متفاوت است که جدول زیر بیانگر نتایج این شاخص‌ها است.

جدول شماره ۳. نتیجه آزمون t برای بررسی وضعیت شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری در جرائم شهری

متغیر	میانگین	انحراف از میانگین	آماره آزمون t	سطح معناداری	انحراف معیار	تفاوت در سطح ۰/۰۵ فاصله اطمینان	حد پایین	حد پایین
میزان روشنایی	۲/۶۸	۰/۳۷۲۴	-۰/۱۶۵۹۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۰۵	-۰/۵۷۴۹	-۰/۴۵۱	-۰/۷۰۶
ساختمان‌های تخریبی	۲/۸۸	-۱/۰۱۳۸	-۳/۳۶۶	۱/۰۰۱	۰/۵۶۹۲	-۱/۱۵۷۵	-۰/۴۳۲	-۰/۷۰۶
وجود ساختمان‌های نیمه کار	۲/۷۰	-۰/۱۳۹۶	-۵/۲۲۸	۰/۶۰۷	۰/۵۷۹۳	-۲/۲۹۲	-۱/۴۷۶	-۰/۷۰۶
خلوتی فضا	۳/۱	۰/۰۰۸۹۰	۳/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۶۹۳۵۲	-۰/۴۱۳	-۱/۱۵۱۶	-۰/۷۰۶
آشفتگی بصری	۳/۳۷	-۰/۳۶۳۲۹	۳/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۶۲۴۳	۱/۰۵۲۹	۰/۱۷۳۱	۰/۷۰۶
کوچه‌های تنگ و باریک	۲/۵۸	۰/۴۱۰۳۴	-۱۲/۳۶۶	۰/۰۰۰	۰/۶۱۹۲	-۳/۷۹۲	-۲/۴۷۶	-۰/۷۰۶
وجود محصوریت	۲/۶۳	-۳۲۰/۷۸	-۱۰/۹۲۷	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱۶۵	۰/۳۷۰۱	-۲/۶۵۵	-۰/۷۰۶
تراکم ساختمانی	۲/۴۶	-۰/۵۳۳۵۱	-۱۵/۱۹۶	۰/۰۰۰	۰/۶۹۳۵۲	۰/۶۱۵۲	۰/۴۸۱۶	۰/۷۰۶
فضاهای خالی و بایر	۲/۸۲	-۰/۱۷۶۷۱	-۱۶/۷۸۶	۰/۰۰۰	۰/۶۶۹۲	-۲/۳۹۲	-۱/۲۷۶	-۰/۷۰۶

نتایج آزمون فریدمن بیانگر این موضوع است با توجه به این که مقدار سطح معناداری (۰/۰۰) کوچک‌تر از سطح خطا (۰/۰۵) است. یعنی حداقل یک زوج از رتبه میانگین‌های شاخص‌ها تفاوت معناداری باهم دارند و به لحاظ آماری باهم تفاوت دارند بنابراین نتایج رتبه‌بندی این شاخص‌ها در جدول ۴ نشان داده شده است. میانگین شاخص‌های آشفتگی بصری (۳/۳۷)، خلوتی فضا (۳/۱)، ساختمان‌های تخریبی به ترتیب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. سطح معناداری تمامی شاخص‌ها نیز کمتر از ۰/۰۵ است. طبق نتایج آزمون می‌توان این گونه عنوان کرد که شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع محدوده در شرایط نامطلوب است.

جدول شماره ۴. میانگین رتبه‌های آزمون فریدمن برای شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع در جرائم شهری

رتبه‌بندی شاخص‌ها	میانگین	متغیر
رتبه ششم	۲/۶۸	میزان روشنایی
رتبه سوم	۲/۸۸	ساختمان‌های تخریبی
رتبه پنجم	۲/۷۰	وجود ساختمان‌های نیمه کار
رتبه دوم	۳/۱	خلوتی فضا
رتبه اول	۳/۳۷	آشفتگی بصری
رتبه هشتم	۲/۵۸	کوچه‌های تنگ و باریک
رتبه هفتم	۲/۶۳	وجود محصوریت
رتبه نهم	۲/۴۶	تراکم ساختمانی
رتبه چهارم	۲/۸۲	فضاهای خالی و بایر

به‌منظور بررسی تأثیر شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری در جرائم شهری از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. برای به دست آوردن ارتباط معنادار میان دو متغیر پژوهش شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و جرائم شهری نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در این آزمون، اگر ضریب معناداری بیشتر از  $0/05$  باشد، نشان‌دهنده نبود معنا و ارتباط دو متغیر است. اگر ضریب معناداری کمتر از  $0/05$  باشد، نشان‌دهنده رابطه و ارتباط معناداری میان دو متغیر پژوهش است. ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری (مجموع ۹ شاخص موردبررسی) با میزان جرائم شهری برابر با  $0/411$  و سطح معناداری  $(0/00)$  است. از آنجاکه خطای محاسبه‌شده کمتر از  $0/01$  است، با  $99$  درصد اطمینان می‌توان گفت، بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرائم شهری رابطه معناداری و مستقیمی وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

در فرایند شکل‌گیری و رخداد جرم، فضاهای بی‌دفاع شهری نقش مهمی دارند. زیرا فضاهای بی‌دفاع، محل اتفاق انواع و اقسام خشونت‌ها و جرائم شهری می‌باشند، به‌طوری‌که جرائم در سطح شهر به‌طور تصادفی توزیع نشده‌اند هر محدوده و فضای که حجم بیشتری از فضاهای بی‌دفاع شهری را در خود جا داده است زمینه را برای وقوع جرائم شهری بیشتر فراهم می‌کند. فضاهای بی‌دفاع شهری از جمله فضاهایی با ضریب آسیب‌پذیری بالا هستند طبق یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت که در بی‌دفاع شدن فضاهای شهری هر دو بعد فیزیکی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثرند. نظریاتی که تنها بر یک بعد از ویژگی‌های فضاهای بی‌دفاع برای کنترل جرم توجه کرده‌اند (چه فیزیکی، چه اجتماعی) نمی‌توانند مشکلات ناشی از وجود فضاهای بی‌دفاع را کاهش دهند. بنابراین، نظریاتی که بر هر دو بعد توجه کرده‌اند، کلیت فضاهای بی‌دفاع را بهتر نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نظریات تک‌بعدی نیز تنها با توجه به نوع خشونت می‌توانند موردتوجه قرار گیرند. در بی‌دفاع شدن فضاها هر دو بعد تأثیر دارند، اما در مقام مقایسه با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در مطالعات جکوبز و جفری بر حسب نوع خشونت‌ها، عوامل فیزیکی نقش بیشتری در مستعد کردن فضاها برای وقوع جرائم دارند. طبق نظریات مکان‌های جرم خیز، پیشگیری از جرم با طراحی محیطی و فضاهای قابل دفاع می‌تواند ساختار فیزیکی شهر و مکان‌ها را طوری تنظیم و تعریف کرد که مکان و فرصت جرم کمتر شود به عبارتی تبدیل کردن فضاهای بی‌دفاع به فضاهای قابل دفاع مهم‌ترین رویکرد می‌تواند باشد. ساختار فیزیکی محلات کم برخوردار به‌گونه‌ای است که فرصت و شرایط امکان جرم بیشتر فراهم می‌کند به‌طوری‌که خلوت بودن فضا، فقدان نظارت اجتماعی، کوچه‌های تنگ و باریک، زمین‌های خالی، ساختمان‌های مخربه و بی‌صاحب، آشفتگی بصری، فقدان عوامل انتظامی و امنیتی وقوع جرم به میزان زیادی تسهیل می‌کنند. همین عوامل باعث می‌شود که جرم در این مکان‌ها بیشتر از سایر مکان اتفاق بی‌افتد. در حال حاضر طراحی محیطی بخش مهمی از سیاست کنترل جرائم در برخی از کشورهای اروپایی

است. کاهش دسترسی به عوامل ارتکاب جرم و افزایش انگیزه برای نظارت عمومی از سوی مردم که توسط اسکار نیومن و تیم کرو بیان گردید. نظریه نسبتاً محدودی از پیشگیری از جرم را ارائه می‌دهد. درحالی‌که تعداد بسیار وسیع‌تری از تکنیک‌های کاهش فرصت ارتکاب جرم در تحقیقات اخیر پیشگیری محیطی از جرم مشخص شده‌اند. تصور محیط خارج از فضای مسکونی که بر نظریه «فضای قابل دفاع» تأکید می‌کند، این حقیقت را که اکثر جرائم توسط اهالی و استفاده‌کنندگان قانونی فضا صورت می‌گیرند را نادیده می‌گیرد. کنترل راه‌های دسترسی به ابزار ارتکاب جرم ممکن است ارزش محدودی در پیشگیری از جرم توسط اهالی و ساکنان محیط داشته باشند. ابزار کاهش فرصت ارتکاب جرم، ممکن است برای جرم‌های خاصی مناسب باشند، درحالی‌که همان ابزار برای دیگر جرائم مناسب نباشند. این گفته بدین معناست که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی باید به‌طور ویژه برای مسائل خاصی که در مکان‌های به خصوصی اتفاق می‌افتند طراحی شود. هدف مقاله این بود با استفاده از رویکردهای نظری و تجربی مربوط به فضاهای بی‌دفاع شهری، به تبیین رابطه □ و ویژگی فضاهای بی‌دفاع شهری با میزان جرائم شهری در محلات کم‌برخوردار پردازد. بررسی میدانی و گزارش پلیس محلی نشان‌دهنده این است که فضاهای شهری محلات و کیل‌آباد و حاجی پیرلو شهر ارومیه دارای ویژگی‌های متعددی هستند که آن‌ها را بیشتر به فضاهای بی‌دفاع تبدیل کرده است. ویژگی‌های از جمله پایین بودن روشنایی، ساختمان‌های در معرض تخریب، وجود ساختمان‌های نیمه کار، خلوتی فضا، رؤیت بصری ضعیف (آشفستگی بصری)، وجود عوامل مانع دید (کوچه‌های تنگ و باریک، وجود کنج و گوشه)، وجود محصوریت، تراکم ساختمانی، وجود نقاط فرورفته و یا برآمده، از دیگر فضاها هستند. بررسی مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد در مطالعات انجام‌شده به مکان‌های جرم کمتر با رویکرد فضای بی‌دفاع توجه شده است از این‌رو می‌توان گفت به‌منظور کاهش جرم فضاهای بی‌دفاع شهری به فضاهای قابل دفاع طبق تئوری نیومن تبدیل شوند و برای نتایج مطلوب به ابعاد اجتماعی و فیزیکی مسئله هم‌زمان توجه شود چون تک‌بعدی (چه فیزیکی و چه اجتماعی) نتایج مطلوبی نخواهد داشت. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه معنادار و مثبت بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرم در محلات و کیل‌آباد و حاجی پیرلو شهر ارومیه وجود دارد. نتایج آزمون فریدمن بیانگر این است که میانگین کلیه شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری معادل ۲/۸۲ و پایین‌تر از حد مطلوبیت ۳ به‌دست آمده است. در این بین میانگین شاخص‌های آشفستگی بصری (۳،۳۷)، خلوتی فضا (۳/۱)، ساختمان‌های تخریبی به ترتیب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. سطح معناداری تمامی شاخص‌ها نیز کمتر از ۰/۰۵ است. ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری (مجموع ۹ شاخص موردبررسی) با میزان جرائم شهری برابر با ۰/۴۱۱ و سطح معناداری (۰/۰۰) است. از آنجاکه خطای محاسبه‌شده کمتر از ۰/۰۱ است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، بین شاخص‌های فضاهای بی‌دفاع شهری و میزان جرائم شهری رابطه معناداری و مستقیمی وجود دارد.

به‌منظور کاهش جرائم شهری در فضاهای بی‌دفاع شهری محلات کم‌برخوردار می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

- ❖ تبدیل فضاهای بی‌دفاع شهری به فضاهای قابل دفاع از طریق طراحی و معماری شهری و افزایش نظارت اجتماعی
- ❖ گسترش شاخص‌های دفاع‌پذیری فضاهای شهری شامل نظارت اجتماعی (رؤیت‌پذیر سازی فضاها)، نفوذپذیری (استقرار فضاهای خدماتی، توسعه سرانه‌های اجتماعی، فرهنگی و رفاهی، بهسازی فضاها متناسب با نیازهای محله)، خوانایی (نمادها) و روشنایی؛
- ❖ توزیع جمعیت در نقاط مختلف شهری و جلوگیری از بیش‌تراکمی جمعیت در برخی نقاط خاص؛
- ❖ انجام اقدامات اجتماع‌محور و استفاده از ظرفیت سازمان‌های غیردولتی در افزایش نظارت اجتماعی و مراقبت‌های محلی

- ❖ افزایش مسئولیت‌پذیری مردم به‌ویژه ساکنین محلات کم‌برخوردار در شناخت و ساماندهی فضاهای بی‌دفاع؛
- ❖ استفاده از راهبرد توسعه محلی: نقش و اهمیت محله در کاهش خشونت و بزهکاری در راهبرد توسعه محلی مورد تأکید قرار می‌گیرد. درواقع، از قابلیت‌های محلی برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی استفاده می‌شود؛
- ❖ اصلاح و بهسازی مبلمان شهری محلات وکیل‌آباد و حاجی پیرلو شهر ارومیه: کنترل رفتار در فضا از طریق بهسازی مبلمان شهری معمولاً به دو طریق انجام می‌شود؛
- ❖ القای رفتار: می‌توان با کمک فضا به افراد القا کرد که برخی از رفتارها را اتخاذ کرده و برخی دیگر را اتخاذ نکنند؛
- ❖ حذف رفتار: به کمک بهسازی فضا و از بین بردن شرایط و زمینه‌های وقوع رفتار آسیب‌زا می‌توان به کاهش آن کمک کرد؛
- ❖ استفاده از راهبرد حیات شبانه: با ایجاد کاربری‌های فعال در شب و احداث کاربری‌های خانوادگی جذاب از پاتوق شدن و چیرگی بعضی از افراد که قصد ایجاد آسیب و ناهنجاری را دارند، جلوگیری می‌شود؛
- ❖ حفظ تنوع کاربری‌ها و ایجاد کاربری‌های مختلط: حفظ تنوع کاربری‌ها و تبدیل و تغییر کاربری‌های غیرفعال مثل زمین‌های خالی و انباری‌ها به کاربری‌های فعال و پویاتر و انتقال کاربری‌های ساکن و مسکوت و احیای مجدد بافت‌های راکد و منفعل و نیز افزایش کاربری‌های فرهنگی و فراغتی در جهت تغییر جو اجتماعی حاکم بر محیط اهمیت فراوانی دارد؛

### تقدیر و تشکر

این پژوهش مرهون همکاری مدیران شهرداری ارومیه، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد واحد تبریز در گروه شهرسازی، نیروی انتظامی شهرستان ارومیه می‌باشد. از این همکاری صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایند بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله که مستخرج از رساله دکتری است، حامی مالی نداشته است.

### منابع

- (۱) اسلامی‌راد، راضیه (۱۳۹۵) بررسی جایگاه امنیت در برنامه‌ریزی و کاربری اراضی (نمونه موردی: شهر زاهدان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد زاهدان، گروه جغرافیا.
- (۲) افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری‌های اجتماعی، تهران: نشر مدرس.
- (۳) انصاری، عبدالمعبود (۱۳۶۹) ایرانیان مهاجر در ایالت متحده؛ پژوهشی در حاشیه‌نشینی دوگانه، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، تهران: نشر آگه.
- (۴) بحرینی، حسین (۱۳۸۶) معنی و سازگاری در طراحی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- (۵) بمانیان محمدرضا و محمودی نژاد. هادی (۱۳۸۸) امنیت و طراحی شهری تهران، انتشارات هله/طحان، چاپ اول
- (۶) بیات، بهرام (۱۳۹۸) جامعه‌شناسی امنیت شهر و فضای بی‌دفاع شهری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- (۷) جعفری، محمود علی (۱۳۹۴) بررسی و تحلیل فضاهای بی‌دفاع شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- (۸) جلالیان، سید اسحاق و ویسیان، محمد (۱۳۹۷) بررسی امنیت پایدار در شهر مرزی سردشت از دیدگاه کارشناسان امنیتی، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ۶، شماره ۱، صص. ۱۴۵-۱۲۷.
- (۹) حسینی نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۴) بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده‌های تلفیقی: مورد سرقت، مجله برنامه‌بودجه، شماره ۹۵، صص. ۸۲-۳۵.
- (۱۰) خاموشی طاهره (۱۳۸۷) نقش طراحی شهر یا در ایجاد فضاهای شهری امن در راستای کاهش ناامنی اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، استاد راهنما: دکتر محمدرضا پورجعفر، دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۱) دادور، احمد (۱۳۷۳) الگوی مسکن اجتماعی. خلاصه مقالات دومین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن مدیران.

- (۱۲) زیاری، کرامت‌الله، فرهادی‌خواه حسین؛ کلانتری، محسن (۱۳۹۵) بررسی فضاهای بی‌دفاع شهری در سطح محله (مورد مطالعه: محله هرنندی تهران)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۴، شماره ۲۰، صص ۱۳-۱.
- (۱۳) سجادیان، ناهید؛ نعمتی، مرتضی؛ شجاعیان، علی؛ اورکی، پروش (۱۳۹۴) درآمدی بر نظریه‌های امنیت در حیطه جغرافیای شهری چاپ اول، کرج: کرج نشر.
- (۱۴) شکوهی، حسین (۱۳۷۲) جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران: نشر مجد.
- (۱۵) شمعی، علی و واحدی نژاد، سید حسین (۱۳۹۷) تحلیل فضایی جرم خیزی در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۲۱۶-۱۹۱.
- (۱۶) عزیزی، محمدمهدی و شعبان جولا، الهه (۱۳۹۳) ارزیابی کالبد محله‌های قدیمی شهری در پاسخ‌دهی به احساس امنیت (نمونه موردی محله ملک‌آباد شهر قزوین) پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴، صص ۷۹۱-۸۰۸.
- (۱۷) فرهادی‌خواه، حسین؛ زیاری، کرامت‌الله؛ کلانتری، محسن (۱۳۹۷) ارزیابی فضاهای بی‌دفاع شهری با استفاده از مدل مطالعه موردی: محله هرنندی تهران، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۳، شماره ۲، پیاپی ۲۱، صص ۲۳-۱۰.
- (۱۸) فیروزی مجنده، ابراهیم (۱۳۹۵) سنجش عدالت فضایی توزیع کاربری‌های عمومی در نواحی مسکونی شهر اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.
- (۱۹) قرایی، فریبا؛ رادجهانیان، نفیسه؛ رشیدپور، نازیلا (۱۳۹۲) تأثیرگذاری نورپردازی در امنیت شهری و توسعه گردشگری (مورد مطالعه: کلان‌شهر شیراز)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۳، شماره ۹، صص ۷۵-۶۷.
- (۲۰) قلمبر دزفولی، راما و محمدی، شراره (۱۳۹۴) تحلیل پراکنش فضاهای بی‌دفاع شهری با استفاده از GIS نمونه موردی: شهر جدید پردیس، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۳، شماره ۲۲، صص ۱۲-۲.
- (۲۱) قلیچ، مرتضی و عماری، حسن (۱۳۹۲) درآمدی بر فضای بی‌دفاع شهری، تهران: نشر تیسرا.
- (۲۲) قلیچ، مرتضی و عماری، حسن (۱۳۹۲) درآمدی بر فضای بی‌دفاع شهری، چاپ اول، تهران: انتشارات تیسرا.
- (۲۳) قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶) راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۱، صص ۱۷۴-۱۴۲.
- (۲۴) کانونی، رضا؛ ایمانی، بهرام؛ حبیب زاده، عظیم؛ مسلمی، آرمان (۱۳۹۴) سنجش احساس امنیت اجتماعی در مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، نشریه پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۳۳-۱.
- (۲۵) کلانتری، محسن؛ هندیانی، عبدالله؛ سرمد، محمدرضا (۱۳۸۹) کانون‌های جرم خیز در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزه‌کاری مورد مطالعه، ایستگاه بازرسی علی‌آباد، شهر بیرجند، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، دوره ۵، شماره ۴، صص ۵۸۶-۵۷۰.
- (۲۶) کلارک، رونالد (۱۳۸۷) نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال ۳، شماره ۳، صص ۳۵۶-۳۴۴.
- (۲۷) لینچ، کوین (۱۳۸۱)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۲۸) محسنی تبریزی، علیرضا؛ قهرمانی، سهراب؛ یاهک، سجاد (۱۳۹۰) فضاهای بی‌دفاع شهری و خشونت (مطالعه موردی فضاهای بی‌دفاع شهر تهران)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره ۲، صص ۳۲-۲۰.
- (۲۹) محمدی علیرضا؛ فیروزی مجنده، ابراهیم؛ بیگلو ارژنگی، حجت (۱۳۹۸) پهنه‌بندی فضاهای بی‌دفاع و مستعد جرم‌خیزی در شهر اردبیل، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری دوره ۷، شماره ۴، صص ۷۸۵-۸۰۶.
- (۳۰) مقیمی، مهدی (۱۳۹۵) بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راهکارهای مکان محور برای پیشگیری وضعی از جرم، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۸، شماره ۴، صص ۱۸۶-۱۵۵.
- (۳۱) منصوری، فردین؛ غنیمتی، حسن؛ نوفر، زینت (۱۳۹۶) رابطه فضاهای بی‌دفاع شهری با افزایش جرائم شهری در شهر کرمانشاه، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ۵، شماره ۲۱، صص ۲۹۰-۲۰۱.
- (۳۲) موسوی، میرنخف؛ ویسیان، محمد؛ خلیفی پور، حکیمه (۱۳۹۵) اولویت‌بندی راهبردهای امنیت پایدار در آمایش مناطق مرزی مطالعه موردی (استان کردستان)، مجله جغرافیای سیاسی، سال ۱، شماره ۲، صص ۷۵-۵۳.
- (۳۳) نایی، هوشنگ؛ سروسستانی رحمت‌الله؛ صدیق، قهرمانی، سهراب (۱۳۹۰) نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز، فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۳۱-۱۹۹.

- ۳۴) نیومن، اسکار (۱۳۸۷) خلق فضاهای قابل دفاع، مترجم: فائزه رواقی و کاوه صابر، تهران: نشر طحان.
- ۳۵) نیومن، اسکار (۱۳۸۱) نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای قابل دفاع، ترجمه نسیم ایران منش، مجله شهرداری‌ها، سال ۴، شماره ۴۴، صص. ۲۳-۱۸.
- ۳۶) وروایی، اکبر و حاتم‌زاده، جمشید (۱۳۹۴) پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی (مورد مطالعه: خیابان‌های اصلی منطقه ۴ شهرداری شهر کرمانشاه)، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۷، شماره ۲، صص. ۸۳-۱۱۴.
- ۳۷) یوسفی، علی و جوهری، لیلا (۱۳۹۳) فضای بی‌دفاع در شهر و حس ترس، پدیدارشناسی تجربه عبور از پل‌های زیرگذر در مشهد، جغرافیا و مخاطرات محیطی، سال ۳، شماره ۳، صص. ۱۴۳-۱۲۹.
- 38) Bennett, Trevor. (1986) Situational Crime Prevention From The Offender Perspective. In Heal & Laycoke.
- 39) Newman, Oscar. (1996) Creating Defensible Space. u. s. Department of housing and urban development.